

نه دست ستیزونه پای گریز



آنچه در لشکرکشی و تصرف عراق همواره به عنوان معیاری برای سنجش در نظر گرفته می شود قربانیان و نوع آنها در طول چهارسال از تصرف این کشور است. براساس خوشبینانهترین گزارش وزارت دفاع آمریکا از آغاز تصرف عراق تاکنون بیش از صدها هزار نفر از شهروندان بیگناه عراق به قتل رسیده‌اند.

در مقابل تعداد سربازان کشته شده آمریکا در عراق سه هزار و ۲۱۹ نفر و تعداد کشته‌های طرف دیگر جنگ یعنی تروریستها هفت هزار نفر بوده است. از خسارتهای مادی به تاسیسات زیربنایی عراق همین بس که هنوز مردم عراق از نعمت برق محرومند و به آب شرب سالم دسترسی ندارند و فرآورده‌های نفتی از تریاک هم نایابتر است. مردم عراق در ازای هر شش تا پنج ساعت خاموشی یک ساعت از برق شهری برخوردار می‌شوند و آب بسیاری از مناطق نیز اصلا برای آشامیدن توصیه نمی‌شود. در این میان غم انگیزترین مسئله نبود فرآورده‌های نفتی در کشوری است که یکی از غنی‌ترین منابع فسیلی جهان را دارد.

تنها دلگرمی و دستاورد امید بخش مردم عراق و سیاسیون این کشور که در هر مناسبتی آن را به رخ می‌کشند برگزاری انتخابات سراسری مجلس و تایید قانون اساسی در همه پرسی عمومی است که در سال ۱۳۸۴ اتفاق افتاد. دولت عراق می‌تواند احساس افتخار کند که امسال بزرگترین بودجه تاریخ عراق را با اعتبار ۴۱ میلیارد دلار بسته است اما آیا می‌تواند جلو فساد اقتصادی را بگیرد که مهمترین تهدید برضد این بودجه کلان است. براساس آمار سازمانهای بین‌المللی، عراق جزو فاسدترین کشورهای جهان از حیث فساد اقتصادی و اداری است. در چنین شرایطی آمریکا مدعی آزادی و عدالت یکی از فاسدترین چهره‌های عراق را دزدانه از زندان به خارج عراق فراری می‌دهد. "ایهم السامرایی" وزیر سابق برق در دولت انتقالی "ایاد علوی" متهم به هدر دادن و اختلاس یکصد میلیون دلار از دارایی‌های عمومی عراق با کمک آمریکا به خارج فراری داده شد تا دست عدالت به او نرسد. عراقیها می‌توانند خوشحال باشند که با دستان خود دیکتاتور سابق عراق و برخی مسوولین رژیم بعث را محاکمه و به مجازات عادلانه رساندند اما شاید فراموش کرده‌اند که آمریکا بیش از یکسال قبل ۲۵ تن از مهمترین مسوولین سابق بعث را از زندان فرار داد.

این عده متهم به جرایم ضد انسانی بودند و در میان آنها شخصیتی مانند خانم "عماش" که به بانوی بمبهای بیولوژیک شهرت دارد قرار داشت. اگر "جلال طالبانی" رییس جمهوری عراق همواره به این فخر می‌فروشد که عراق در بین کشورهای عربی بیشترین آزادی بیان را فراهم آورده اما شاید فراموش کرده است که عراق خطرناکترین کشور برای خبرنگاران به شمار می‌رود. بیش از ۱۵۰ خبرنگار در این کشور با گلوله نیروهای بیگانه یا تروریستها به قتل رسیده و تعدادی نیز ربوده شده و هنوز سرنوشتشان نامعلوم است.

مردم عراق هنوز حوادث سال ۱۹۹۱ میلادی و خیانتی را که آمریکا به این ملت کرد از یاد نبرده‌اند. قیام سراسری مردم عراق تا سقوط ۱۶ ولایت عراق پیش رفت و تنها سه ولایت دیگر برای سرنگونی رژیم بعث باقی مانده بود اما آمریکا از بیم این انقلاب و تبعات آن، به مردم عراق پشت کرد تا رژیم صدام در برابر دیدگان جهانیان مردم کشورش را قلع و قمع کند. آمریکا بعد از آن، ۱۳ سال عراق را در شرایط تحریم بین‌المللی اقتصادی قرار داد تا از مردم عراق توان قیام کردن را بگیرد و سپس در مارچ ۲۰۰۳ در مدت ۲۰ روز رژیم صدام را سرنگون کرد. تعدادی از سیاسیون عراق بر این باورند که آمریکا هیچ چیز مثبتی را برای عراق جز سرنگون کردن رژیم صدام محقق نکرده است.

"صالح العکلی" از جریان صدر یکی از گروههای مهم مخالف اشغال در عراق گفت :

جنگ آمریکا بر ضد عراق هیچ رهاورد مثبتی برای مردم عراق به همراه نداشته و تنها باعث ساقط شدن رژیم صدام شد. وی اضافه کرد که جنگ آمریکا بر ضد عراق تنها باعث قتل و کشتار بیشتر مردم عراق شد.

وی گفت، هر چند سیاسیون عراقی موفق به تشکیل دولت وحدت ملی در این کشور شده‌اند اما این دولت هنوز فاقد حاکمیت و استقلال رای است. العکلی افزود: در زمینه اقتصادی، عراق در طول سالهای بعد از اشغال نه تنها هیچ دستاورد و پیشرفت چشمگیری نداشته بلکه فساد اقتصادی در تمامی بدنه اداری دولت نفوذ کرده است. "عبدالله صالح" از همبستگی کردستان نیز تنها دستاورد جنگ بر ضد عراق را سرنگون کردن رژیم بعث دانست. وی اضافه کرد که آمریکا در طول سالهای گذشته مرتکب اشتباههای بزرگی در عراق شده که برای عراق گران تمام شده است. وی افزود، محاسبات آمریکا درباره جنگ اشتباه از آب درآمد زیرا کاخ سفید برای پدیده تروریسم که امروز در عراق گسترش یافته هیچ گونه محاسبه‌ای نکرده بود و نقش کشورهای همجوار را در نظر نگرفته بود. صالح تاکید کرد: آنچه که ما اینک از آن رنج می‌بریم در نتیجه اشتباه‌های آمریکا بوده است. "سلیم عبدالله" از جبهه توافق عربهای سنی نیز بر این باور است که آمریکا در محاسبات خود قبل از جنگ بر ضد عراق دچار اشتباه بزرگی شد.

وی گفت، جنگ آمریکا باعث ورود بسیاری از بیگانه‌ها به عراق و تبدیل شدن عراق به میدانی برای تسویه حسابها شد. عبدالله وضعیت عراق را در زمینه خدمات دهی به شهروندان بسیار نابسامان خواند و بر ضرورت اصلاح اشتباه و تجدیدنظر در روند سیاسی عراق تاکید کرد. امروز همه از اصلاحات و تجدید نظر در روند سیاسی سخن می‌گویند زیرا نقشه راهی که آمریکا برای بهشت آینده عراق ترسیم کرده بود امروز به "فتنه مذهبی" انجامیده است. مردم عراق در طول قرن‌ها همزیستی هرگز چیزی به نام اختلافات مذهبی را ندیده بودند و بر خلاف آن شیعیان و اهل تسنن این کشور زندگی مسالمت آمیزی داشتند.

اما نقشه راه آمریکا، امروز پیروان دو مذهب را به دشمنان خونی همدیگر تبدیل کرده است. شاید سخن "علی ادیب" عضو برجسته حزب الدعوه در مجلس عراق چندان دور از حقیقت نباشد که گفت آمریکاییها از آغاز این فتنه را طراحی کرده بودند.

علی ادیب حدود یکسال قبل و در اوج تنشهای مذهبی در عراق در مجلس گفت: "آمریکاییها از بدو اشغال عراق، از احتمال وقوع جنگ مذهبی در عراق سخن گفته بودند اما این باور آمریکایی‌ها ناشی از پیشگویی آنها نبود بلکه آنها خود چنین چیزی را طراحی کرده بودند."

امروز شرایط در عراق به گونه‌ای جلوه داده شده است که تنها طرف مصلح در عراق، آمریکا است و بقیه مردم و گروههای سیاسی و حتی کشورهای همجوار عراق همه در اتهام هستند.

آمریکا گاه شیعیان را به فتنه مذهبی و وطن فروش متهم کرده و گاه عربهای سنی را به دنباله روی از کشورهای عربی و حمایت از تروریسم متهم می‌کند و گاه کردها را تهدید و مرعوب می‌کند.

کشورهای همجوار عراق نیز هر روز به گونه‌ای در اتهام آمریکا قرار می‌گیرند و در این میان تنها طرفی که از هر گناهی مبرا است آمریکا و همپیمانانش بویژه رژیم اسرائیل هستند.

با این اوصاف آیا پلیدتر از این جنگ، در تاریخ معاصر و شاید کل تاریخ وجود داشته است؟

آمریکا، بسا با تأخیر، می‌فهمد که بحران عراق مدتهاست دیگر یک رویارویی ساده میان قوای آمریکا و شورشیان سنی - که ساده انگارانه تروریست خوانده شده‌اند - نیست.

از روبرت گیت، جانشین رامسفلد، پرسیدند: آیا عراق در جنگی داخلی است؟ جنگ داخلی را کافی برای توضیح وضعیت در عراق ندانست و توضیح داد: در حال حاضر، عراق گرفتار چهار جنگ است.

این چهار جنگ یکدیگر را تغذیه می‌کنند. می‌توان در باره سطح این چهار جنگ، بحث کرد اما وجود آنها واقعیتی است که امکان می‌دهد درک صحیح و دقیق تری از وضعیت عراق پیدا کنیم:

نخستین جنگ از این چهار جنگ که قدیمی‌ترین آنها است، جنگی است میان شورشیان سنی با قوای آمریکا. شورش سنی‌ها در هفته‌های اول بعد از سقوط بغداد، در اپریل 2003، توسط قوای آمریکا شروع شده است. برمر، شاه بی تاجی که واشنگتن بر عراق گماشت، با سبک سری، ارتش عراق را منحل کرد. دستگاه دولت بعثی را منحل و به سلطه تاریخی سنی‌ها بر دولت پایان بخشید. بر آن، ناشیگرهای خون بار ارتش عراق در مناطق سنی نشین را افزوده و عسبان سنی‌ها بر ضد قوای آمریکا را بیار آورد:

آن روز که در فلوجه، نیروهای آمریکائی تظاهرات مردم در اعتراض به تصرف یک مکتب توسط قوای آمریکا را به گلوله بستند، شورش آغاز شد و در طول زمان گسترش یافت.

تقلای آمریکا برای عراقی کردن جنگ، بشیوه‌ای که در ویتنام کرده بود و در جنگهای قرن بیستم میان استعمارگران و شورشیان بر ضد استعمار بکار رفته بود، موجب شد که ارتش جدید عراق تحت سلطه شیعه، را تعلیم دهد و آماده سازد. با این کار، جنگ دوم عراق ایجاد شد: جنگ اقلیت سنی که سلطه خود را بر دولت را از دست داده است با اکثریت شیعه که اینک بعد از قرن‌ها سرکوب و تحقیر شدن سربر آورده است.

این جنگ، با منفجر کردن حرم امام حسن عسکری در سامره، در 2005، سرعت و وسعت گرفت. از آن پس، در ولایت هائی که سنی و شیعه نشین هستند، شدت روز افزون گرفته و بغداد را به صحنه جنگ بدل کرده است. این

جنگ، تقریباً از نفوذ خارجی یکسره رها و موجب نگرانی همه مسئولان در کشورهای خاورمیانه است. جنگ سوم، جنگی است هنوز کم سر و صدا که میان جناحهای مختلف شیعه جریان دارد.

شیعه‌ها که مدتی طولانی تحت زعامت روحانیت متحد بود و از فتوحای آیت الله سیستانی پیروی می‌کرد، با شکل گرفتن ارتش المهدی، به رهبری مقتدی صدر که ملی‌گرا و بیانی‌گرا پسند و عوام‌فریب دارد، در 2004 و پیروزی انتخاباتی‌شان در 2005، آن اتحاد از میان رفت. فراخوانهای سیستانی و حوزه به میان روی در برابر حمله‌های سنی‌ها، بی‌اثر شدند. انشقاق دامنگیر ارتش المهدی نیز شد.

این جنگ بی‌سر و صدا میان شیعه‌ها آن حد از خشونت را نیافته است که جنگ‌های دیگر پیدا کرده‌اند. جنگ چهارم، جنگی است که القاعده برپا کرده و رهبری می‌کند. این سازمان عراق را مهمترین عرصه عملیاتی خود کرده است. القاعده عراق که ابومصیب الزرقاوی تجسم آن بود، اینک بزرگترین ترین شعبه سازمان اسامه بن لادن است. سقوط رژیم صدام که آمریکاییها بخطر آن را به ترویست اسلامی وصل کردند،

به القاعده امکان داد در عراق ریشه بگیرد. شعبه القاعده بر ضد قوای آمریکا یا غربی و بر ضد شیعه‌ها که بنا بر قول سلفی‌ها کافر هستند و خونشان مباح است، می‌جنگد. طبیعی است که جنگ القاعده آتش سه جنگ دیگر را نیز تیز می‌کند. بخصوص جنگ با قوای آمریکا و با شیعه‌ها را. زیرا تکنیک و آماده عملیات انتحاری را وارد آنها می‌کند و کشتارهای شیعه‌ها را سبب می‌شود.

کوششهای آمریکا برای مهار کردن شورش سنی‌ها با تکیه بر نهادهای جدید شیعه، جنگ مذهبی، جنگ القاعده، را تغذیه کرده و جز موفقیت‌های تاکتیکی و موقت ببار نیاورده است. کوششهای آمریکا برای شریک کردن کشورهای همسایه، بخصوص سوریه و ایران و عربستان، در بسامان آوردن وضعیت عراق از راه گفتگو، ولو مهار بهتر مرزها موجب تضعیف القاعده می‌شود اما بیم آن می‌رود که هیچگونه اثری برای شورش سنی‌ها و جنگ مذهبی نیابد. تخلیه عراق از قوای آمریکا، آن سان که اکثریت دموکرات در کنگره خواهان آنست، البته شورشیان سنی را آرام می‌کند، اما القاعده این تخلیه را یک پیروزی بزرگ تلقی می‌کند و متخاصمان را جنگ با قوای آمریکا و حضور ارتش آمریکا رها و بیش از پیش به جان یکدیگر می‌اندازد.

روبرت گیت جنگهای عرب و کرد و آمادگی ترکیه برای اشغال شمال عراق و... را نادیده گرفته است. با تخلیه عراق، بسا آن جنگها نیز شدت می‌گیرد.

روپتر گزارش کرد که بالتازار گارزون، قاضی اسپانیوی، بوش را بخاطر جنگ با عراق، تحت تعقیب قضائی قرار دهد. او که تقاضای توقیف پینوشه و استرداد او را از حکومت انگلستان کرده بود که بخاطر جنایت بر ضد بشریت تحت پیگرد قضائی قرار دهد، می‌نویسد: وقت آنست که بوش و متحدانش پاسخ تجاوزشان را به عراق، در یک دادگاه بدهند. او بمناسبت چهارمین سالگرد جنگ عراق، در مقاله‌ای، در الپائیز، این جنگ را یکی از کثیف‌ترین و توجیه‌ناپذیرترین رویدادهای تاریخ اخیر بشریت توصیف کرده و نوشته است:

«ما می‌باید بسیار دقیق‌تر مسئولیت جزائی احتمالی اشخاصی را مطالعه کنیم که یا مسئول این جنگ هستند و یا مسئول آن بوده‌اند و ببینیم آیا دلایل و مدارک کافی برای تعقیب قضائی آنها وجود دارند یا خیر؟ 650 هزار کشته به تنهایی برای ورود هرچه سریع‌تر در تعقیب قضائی کافی است.»

قاضی گارزون، نخست‌وزیر سابق اسپانیا و حکومت او را نیز سخت مورد انتقاد قرار داده است:

«آنها که در کنار رئیس‌جمهوری آمریکا، در جنگ با عراق، قرار گرفتند، بهمان اندازه و بلکه بیشتر در مسئولیتها شریک هستند. زیرا برغم شکی که داشته‌اند و اطلاعاتی که نصف حقیقت بنا بر این بزرگ‌ترین دروغ‌ها بوده‌اند، خود را در آغوش متجاوز انداختند و با او در تجاوز شریک و بانی و باعث کشتار و ویرانی‌ها شدند که هنوز هم ادامه دارد.»

در ماه فبروری، ازنار اعتراف کرد که عراق سلاح اتمی و دیگر اسلحه کشتار جمعی نداشته است. و افزوده است: می‌باید روشن بین‌تر می‌بودیم و پیش از جنگ از واقعیت سر در می‌آوردیم.

همچنان پروفیسور کریستوفر کوکر استاد علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه لندن (ال.اس.ای) در "موسسه سلطنتی متحد خدمات در امور دفاعی و امنیتی" (راسی) با عنوان "اخلاق در جنگ علیه تروریسم" سخنرانی کرد. پژوهشگر انگلیسی، از بازداشتگاه گوانتانامو، رسوایی زندان ابوغریب و افشای پروازهای سری و بازجویی‌های پنهانی مظنونان تروریستی توسط سازمان جاسوسی آمریکا (سیا) در کشورهای مختلف به عنوان نمادهای انحطاط اخلاقی آمریکا در مبارزه جهانی با تروریسم یاد کرد.

کوکر با اشاره به بی‌اخلاقی‌های متعدد واشنگتن در شش سال اخیر جنگ را "یک تجربه خشن و بی‌رحم" توصیف کرد که با بدون رحم و مدارا، زشتی‌ها و پلیدی‌های نهفته دولت‌ها و ملت‌ها را بیرون می‌ریزد.

استاد دانشگاه لندن، در ادامه سخنان خود از سخنان سال گذشته "جان رید" وزیر سابق دفاع و وزیر کشور کنونی در دولت کارگری انگلیس درباره ضرورت تعدیل و چشم‌پوشی از برخی ارزش‌های اخلاقی و انسانی برای حفظ ثبات و امنیت جامعه و جنگ با تروریسم بین‌المللی انتقاد کرد.

وی گفت: کشورهایی که در زمینه اخلاق و ارزش‌های معنوی و انسانی شکست بخورند، نمی‌توانند در جنگ به پیروزی

برسند و محکوم به شکست هستند. قدرت نظامی یا اقتدار استقلال طلبان الجزایری منجر به شکست فرانسه نشد، بلکه بی‌قانونی‌ها و رفتار غیرانسانی فرانسوی‌ها بود که زمینه شکست آنان را در این نبرد نابرابر ایجاد کرد. رژیم صهیونیستی از زمان تاسیس خود در سال ۱۹۴۸ در جنگ‌های کلاسیک شکست نخورده، اعلام کرد: اما از سال ۱۹۸۲ به بعد این رژیم به دلیل تشدید رفتار ظالمانه در مواجهه با مردم بی‌دفاع فلسطین و لبنان و ارتکاب فجایع متعدد، به مرور در جنگ قلوب و افکار شکست خورد. اسرائیل اکنون نه تنها میان مخالفان و رقیبان بلکه در میان متحدان اروپایی و حامیان آمریکایی خود نیز منزوی شده است.

پروفسور کوکر ادامه داد: به گفته این کارشناس روابط بین‌المللی، انگیزه اصلی حکومت آمریکا در جنگ علیه تروریسم از دست دادن بخش مهمی از سیطره این کشور بر تحولات جهانی به خصوص پس از فروپاشی اردوگاه عقیدتی و نظامی شرق و تک قطبی شدن جهان است.

کوکر در این خصوص به سخنان ژنرال "دوایت آیزنهاور" رییس جمهوری پیشین آمریکا استناد کرد که در اوج جنگ سرد گفته بود: تنها چیزی که برای آمریکا خطرناکتر و فاجعه‌بارتر از شکست در جنگ سرد با اتحاد شوروی است، پیروزی در این نبرد است.

به گفته این استاد دانشگاه لندن، تجربه و دانش بشری به همراه آمارهای موجود در ادوار مختلف به خوبی نشان داده که شکنجه برای کسب اعتراف از متهمان به نتیجه مطلوب و مورد نظر حکومت‌های خودکامه منجر نشده و نتایج و فواید احتمالی این شیوه‌ها از خطرات و مضرات قطعی آن به مراتب کمتر است.

وی با استناد به چند مورد محاکمه شکنجه‌دهندگان انگلیسی و آمریکایی مردم عراق اعلام کرد، این محاکمات به ندرت به صورت جدی انجام شده و در موارد معدودی به صدور احکام عادلانه علیه مرتکبان رفتارهای غیرانسانی منجر شده است. کوکر با استناد به ۱۱۰ دوسیه جاری و مفتوح نظامیان انگلیس در زمینه آزار و سوء رفتار و جنایت علیه مردم غیرنظامی عراق گفت، در بین این پرونده‌ها تنها یک مورد به صدور حکمی خفیف علیه متهمان منجر شده و بقیه موارد که همگی با سر و صدا آغاز شده، یا مسکوت مانده و یا به صدور رای برائت و یا احکام تعلیقی انجامیده است. فرهنگ خشونت طلب آمریکایی طرفدار سنت اعمال سیاست فیلم‌هایی از قبیل "رامبو" است که تنها در یک فیلم سینمایی ۱۲۳ نفر را مقابل دوربین و صدها نفر دیگر را بدون نمایش در فیلم می‌کشد.

با چنین فرهنگ و سنتی خشن و بی‌رحم نمی‌توان توقع داشت که مردم کشورهای جهان شیفته منش و مرام آمریکایی‌ها شده و به عنوان الگوی آزادی، لیبرالیسم و اخلاق به دولتمردان آن کشور نگاه کنند. این استاد روابط بین‌الملل دانشگاه لندن در پایان سخنان خود گفت که لیبرالیسم و دموکراسی غربی در هر شرایطی با شکنجه مخالفان و متهمان و دفن ارزش‌های اخلاقی در جنگ یا صلح مغایرت دارد.

اگر این مساله بنیادی مورد غفلت و فراموشی قرار گیرد نمی‌توان امیدی به گسترش لیبرالیسم غربی در جهان سوم داشت. استفاده از منابع خبری .